

Akhlāq-i zīstī

i.e., Bioethics Journal

2022; 12(37): e6

The Bioethics and Health
Law InstituteMedical Ethics and Law
Research CenterInternational Association
of Islamic Bioethics

Ethical Requirements of Crime Detection from the Perspective of Human Rights Documents, Standards and Procedures

Amir Kazemi¹, Bagher Shamloo^{2*}, Aman Allah Alimoradi³, Seyed Mehdi Ahmadi Moosavi⁴

1. Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Rafsanjan Branch, Islamic Azad University, Rafsanjan, Iran.

2. Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

3. Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Law, Tehran Branch of Science and Research, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

4. Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Rafsanjan Branch, Islamic Azad University, Rafsanjan, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Crime detection is the first stage of a fair trial, about which several legal and ethical requirements have been raised and similar approaches in this field can be seen in human rights documents, standards and procedures. Considering the constructive role of ethical principles in the development and improvement of the fair trial process, including in the stage of crime detection, the present study investigates the ethical requirements of crime detection from the perspective of human rights documents, standards and procedures.

Methods: The present research is theoretical and the method used in it is descriptive-analytical. Information collection has also been done in a library way by referring to books, articles, documents and websites.

Ethical Considerations: In writing this article, ethical principles including fidelity, honesty and originality of the text have been observed.

Results: Crime detection in the judicial process, in addition to observing legal principles and rules, requires compliance with moral principles and requirements, including the prohibition of torture, the principle of acquittal and innocence of the accused, as well as the prohibition of interference in personal life. The moral obligation of prohibiting torture is the negation of any physical harassment in open and hidden dimensions which is so in conflict with fundamental human rights by using psychological methods. The principle of acquittal is a right and even a privilege for the accused, which, in addition to finding people innocent before presenting the reasons, requires the claimant to prove the reasons. The principle of prohibition of interference in private life also emphasizes the right to live freely without the illegitimate interference of individuals and public and private entities.

Conclusion: Ethical requirements are the means of developing legal principles and implementing international, regional and national human rights declarations and recommendations. Meanwhile, the three principles of the prohibition of torture, the principle of innocence, as well as the prohibition of interference in the private lives of individuals, are stable and common principles in human rights documents, which, of course, need to be developed in tandem with technological and communication developments which may violate human rights in various ways during the crime detection stage. Dealing with cases of violation of the accused's rights at the stage of crime detection from a moral point of view requires serious determination and binding of human rights declarations at the global, regional and national levels.

Keywords: Crime Detection; Ethics; Ethical Requirements; Human Rights Documents

Corresponding Author: Bagher Shamloo; **Email:** bagher.shaamloo@gmail.com

Received: September 23, 2021; **Accepted:** December 12, 2021; **Published Online:** June 21, 2022

Please cite this article as:

Kazemi A, Shamloo B, Alimoradi A, Ahmadi Moosavi SM. Ethical Requirements of Crime Detection from the Perspective of Human Rights Documents, Standards and Procedures. *Akhlāq-i zīstī, i.e., Bioethics Journal*. 2022; 12(37): e6.



بایسته‌های اخلاقی کشف جرم از منظر اسناد، موازین و رویه‌های حقوق بشر

امیر کاظمی^۱، باقر شاملو^{۲*}، امان‌الله علیمراد^۳، سیدمهدی احمدی موسوی^۴

۱. گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، رفسنجان، ایران.

۲. گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

۳. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده حقوق، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۴. گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، رفسنجان، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: کشف جرم اولین مرحله از دادرسی عادلانه است که الزامات حقوقی، قانونی و اخلاقی متعددی درباره آن مطرح شده است. از جمله در اسناد، موازین و رویه‌های حقوق بشری، رویکردهای مشابهی در این زمینه دیده می‌شوند. با توجه به نقش سازنده اصول اخلاقی در توسعه و بهبود فرایند دادرسی عادلانه، از جمله در مرحله کشف جرم، پژوهش حاضر به بررسی بایسته‌های اخلاقی کشف جرم از منظر اسناد، موازین و رویه‌های حقوق بشری می‌پردازد. **روش:** نوع پژوهش حاضر، نظری و روش به کار گرفته شده در آن، توصیفی - تحلیلی است. جمع‌آوری اطلاعات نیز به شیوه کتابخانه‌ای و با مراجعه به کتب، مقالات، اسناد و پایگاه‌های اینترنتی صورت گرفته است.

ملاحظات اخلاقی: در مقاله حاضر اصول اخلاقی نگارش شامل امانتداری، صداقت و اصالت متن، رعایت گردیده است.

یافته‌ها: کشف جرم در فرایند دادرسی، علاوه بر رعایت اصول و قواعد قانونی و حقوقی، نیازمند پیروی از اصول و الزامات اخلاقی از جمله منع شکنجه، مبنای قرارداد اصل برائت و بی‌گناهی متهم و همچنین منع دخالت و تجسس در زندگی شخصی است. الزام اخلاقی منع شکنجه، نفی هرگونه آزار و اذیت جسمی در ابعاد آشکار و پنهان است که با به کارگیری شیوه‌های روانی، در تعارض با حقوق بنیادین بشری است. اصل برائت یک حق و حتی امتیاز برای متهم است که علاوه بر بی‌گناه‌دانستن افراد قبل از ارائه دلایل، مدعی را به اثبات دلایل ملزم می‌نماید. اصل منع دخالت در زندگی خصوصی نیز حق حیات و زندگی آزادانه را بدون مداخله غیرمشروع افراد و نهادهای عمومی و خصوصی، مورد تأکید قرار می‌دهد.

نتیجه‌گیری: بایسته‌های اخلاقی، ابزاری برای تکامل بخشیدن به اصول حقوقی و اجراء دادن اعلامیه‌ها و توصیه‌های حقوق بشری بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی، هستند. در این میان سه اصل منع شکنجه، اصل برائت و بی‌گناهی و همچنین منع دخالت و تجسس در زندگی خصوصی افراد، اصولی پایدار و مشترک در اسناد حقوق بشری به شمار می‌روند که البته نیازمند توسعه همگام با پیشرفت‌های تکنولوژیکی و ارتباطی هستند که به انحای مختلف، حقوق انسانی را در مرحله کشف جرم نقض می‌کنند. مقابله با موارد نقض حقوق متهمین در مرحله کشف جرم از منظر اخلاقی نیازمند عزم جدی و الزام‌آوردن اعلامیه‌های حقوق بشری در سطوح جهانی، منطقه‌ای و ملی و ایجاد صدای واحدی در این زمینه است.

واژگان کلیدی: کشف جرم؛ اخلاق؛ بایسته‌های اخلاقی؛ اسناد حقوق بشر

نویسنده مسئول: باقر شاملو؛ پست الکترونیک: bagher.shamloo@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۰۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۱؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۳/۳۱

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Kazemi A, Shamloo B, Alimoradi A, Ahmadi Moosavi SM. Ethical Requirements of Crime Detection from the Perspective of Human Rights Documents, Standards and Procedures. *Akhlaq-i zisti, i.e., Bioethics Journal*. 2022; 12(37): e6.

مقدمه

کشف جرم به مرحله‌ای از فرایند دادرسی گفته می‌شود که در آن، ضابطین قضایی و نهادهای حقوقی و حقیقی، درصدد جمع‌آوری شواهد و دلایلی برای رسیدگی به اتهامات بر علیه فرد متهم هستند. به دلیل آنکه در این مرحله هنوز ادعا و دلیلی اثبات نشده است، حساسیت‌های مختلفی درباره حفظ حقوق متهم مطرح می‌شود، از جمله اینکه مرحله کشف جرم، مرحله آغازین دادرسی است و فرد متهم، از نظر حقوقی و اخلاقی در وضعیتی نیست که بتوان به انحای مختلف، وی را در مقام متهم نشاناد و حقوق او را نادیده گرفت. این مرحله از دادرسی با تهدیدات و خطرات مختلفی، از جمله دخالت در زندگی خصوصی افراد، مطرح‌شدن نام آن‌ها در رسانه‌ها و افکار عمومی، شکنجه و تهدید جسمی و روانی، نقض حقوق انسانی آنان از جمله کرامت انسانی و همچنین آزار و اذیت از سوی مدعیان مواجه است. به همین دلیل، اسناد، موازین و رویه‌های حقوق بشری با عنایت به حقوق بنیادین انسانی، بر کرامت ذاتی انسان و همچنین زندگی آزادانه و خارج از دخالت دیگران (اعم از نهادهای عمومی و افراد) تأکید دارند. این اصول هرچند از نظر قانونی، رویکردی توصیه‌ای و البته اغلب الزام‌آور دارند، اما همواره در خطر نقض شدن هستند. با عنایت به اینکه اسناد و موازین حقوق بشری، وجهی اخلاقی و انسانی نیز دارند، بررسی الزامات و بایسته‌های اخلاقی در مرحله کشف جرم، یکی از راهکارهای اساسی در محقق‌شدن دادرسی عادلانه به شمار می‌رود.

علاوه بر این، نقض حقوق بنیادین متهمان که همواره شواهد متعددی از آن در کشورهای مختلف مشاهده می‌شود، برخی طرفداران اخلاق و حقوق بشر را بر آن داشته است تا بتوانند با دفاع از آموزه‌های حقوق بشری و با استناد به جنبه‌های اخلاقی و انسانی آنان، مسیری جدید فراهم سازند که بر مبنای آن، بتوان از حقوق متهمین در مرحله کشف جرم دفاع به عمل آورد. دفاع از حقوق متهمین از طریق سازوکارهای مختلفی از جمله شکایت از مدعیان در صورت نقض حقوق متهمین، گزارش موارد نقض حقوق به نهادهای حقوقی ملی و

بین‌المللی، فراهم‌کردن شرایط مهاجرت و پناهندگی برای افرادی که حقوق آنان در مرحله کشف جرم نادیده گرفته شده، از جمله راهکارهایی است که در این باره مطرح می‌شود. با این حال، پژوهش حاضر با آگاهی از نقش سازنده و اثرگذار اخلاق در فرایند کشف جرم، بایسته‌ها و الزاماتی اخلاقی را مطرح می‌کند که بر اساس آن‌ها بتوان تفسیری اخلاقی از آموزه‌های حقوق بشری ارائه نمود. این رویکرد با بررسی مواد مطروحه در اسناد، موازین و رویه‌های حقوق بشری در سطوح بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی میسر می‌شود. اهمیت بحث حاضر نیز از آن جهت است که امروزه موارد متعددی از نقض حقوق متهمین در مرحله کشف جرم دیده می‌شود که نهادهای حقوقی و قانونی در سطح ملی و بین‌المللی با توجه به پیچیدگی‌های حقوقی و دشواری‌های دخالت در امور کشورهای مختلف برای رسیدگی به حقوق متهمین با آن مواجه هستند. بنابراین سؤال پژوهش حاضر این است که بایسته‌های اخلاقی کشف جرم از منظر اسناد، رویه‌ها و موازین حقوق بشری شامل چه مواردی است؟ فرضیه نوشتار این است که منع شکنجه در همه ابعاد آن، پذیرش اصل برائت و بی‌گناهی متهمین و همچنین رعایت اصل منع دخالت و خودسری در حریم خصوصی افراد، از جمله اصول اخلاقی در مرحله کشف جرم هستند که به دلیل نقض حقوق بنیادین بشر نیازمند عزم جدی نهادهای حقوق بشری برای مقابله با این تهدیدات هستند.

روش

نوع پژوهش حاضر، نظری و روش به کارگرفته‌شده در آن، توصیفی - تحلیلی است. جمع‌آوری اطلاعات نیز به شیوه کتابخانه‌ای و با مراجعه به کتب، مقالات، اسناد و پایگاه‌های اینترنتی صورت گرفته است.

یافته‌ها

کشف جرم اولین مرحله از فرایند حساس دادرسی عادلانه به شمار می‌رود که البته با تهدیدات و خطراتی، از جمله شکنجه

تکنولوژیکی و الکترونیکی، از جمله دوربین‌ها، دستگاه‌های شنود و... متنوع‌تر و پیچیده‌تر شده است. بر این اساس، اسناد و قوانین حقوق بشر بین‌المللی و منطقه‌ای نیازمند توسعه بر مبنای الزامات اخلاقی هستند که بر مبنای این تغییرات، نقض حق حیات و کرامت انسانی به عنوان یک چارچوب غیر قابل خدشه مطرح شود. همچنین لازم است در مرحله کشف جرم، شکنجه در ابعاد آشکار و پنهان آن محکوم و مشمول مسئولیت و مجازات برای کشورها، نهادها و اشخاص حقیقی و حقوقی گردد. به نظر می‌رسد سه الزام اخلاقی مطرح‌شده، پشتوانه خوبی برای پیوند وثیق اخلاق و حقوق در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای باشند.

بحث

در زمینه توجه به بایسته‌های اخلاقی کشف جرم می‌توان به سه اصل اساسی اشاره نمود که در اسناد، موازین و رویه‌های حقوق بشر بر آنان تأکید شده است. علاوه بر این، بر مبنای هر یک از اصول مطرح‌شده، می‌توان بایسته‌ها و الزامات اخلاقی را استخراج نمود که هم در راستای حمایت از اصول حقوق بشر و هم در راستای احترام به اصول و قواعد اخلاقی است.

۱. **منع شکنجه در فرایند کشف جرم:** مطابق قواعد و اصول حاکم بر حقوق بین‌الملل که منبعث از اعلامیه جهانی حقوق بشر است، منع شکنجه به عنوان یک قاعده عام در سطح جهانی با خصلت حقوق بشری به رسمیت شناخته شده است. منع شکنجه در فرایند کشف جرم از چنان اهمیتی برخوردار است که کنوانسیون منع شکنجه، به طور اختصاصی به منظور دفاع از این اصل تشکیل شده است. مطابق مواد این کنوانسیون، همه اشکال شکنجه جرم محسوب شده و قابل مجازات هستند (۱). اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری نیز در مواد ۷ و ۸ به صراحت بر منع شکنجه و جنبه‌های ضد انسانی آن تأکید کرده است، هرچند کنوانسیون منع شکنجه از جمله نهادهای اختصاصی در راستای مقابله با شکنجه، بیان مصادیق آن و ملزم کردن دولت‌ها به رعایت قوانین حقوق بشر تشکیل شده است، اما نهادهای دیگری نیز وجود دارند که در مراحل مختلف دادرسی، از جمله در مرحله کشف جرم، به دلیل

روحی و جسمی افراد، نقض حریم خصوصی آنان و همچنین عدم توجه به اصل برائت و بی‌گناهی همراه است. برای حل این مشکلات، اسناد، رویه‌ها و موازین حقوق بشری، از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر، کنوانسیون امریکایی حقوق بشر، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، کنوانسیون افریقایی حقوق بشر، اعلامیه حقوق بشر اسلامی و همچنین اسناد منطقه‌ای حقوق بشر و اسناد ملی، اغلب بر رعایت منع شکنجه، مبنای اصل برائت و همچنین منع دخالت و تجسس در زندگی خصوصی افراد برای کشف جرم تأکید می‌کنند. رعایت اصول مزبور دارای پشتوانه اخلاقی است. بدین معنا که اخلاق و انسانیت (بدون لحاظ قرارداد قانون)، حامی نفی شکنجه روحی و جسمی فردی است که در مقام متهم قرار دارد و در صورت عدم شواهد و دلایل کافی برای اثبات جرم منتسب به فرد، دلیلی برای شکنجه وی وجود ندارد. این رویه حتی در صورت اثبات جرم افراد نیز مطرود و غیر قابل قبول است. اصل برائت نیز از این رویه اخلاقی پیروی می‌کند که هر شخصی بی‌گناه است، مگر اینکه جرم و بزه‌کاری وی با شواهد متقن اثبات گردد. اصل برائت علاوه بر نفی اتهامات وارد بر افراد و مصون ماندن آنان قبل از ارائه دلایل کافی، جنبه ایجابی نیز دارد که بر اساس آن، مدعی می‌بایست اتهامات مطرح‌شده بر علیه متهم را اثبات نماید. بنابراین در اصل برائت، مأمنی برای افراد متهم وجود دارد که به راحتی در معرض تهدیدات و خطرات قدرت‌طلبی و خودسری افراد و نهادهای عمومی قرار نگیرند. اصل عدم تجسس و عدم دخالت در زندگی شخصی نیز حمایت از زندگی خصوصی و دارایی افراد را مد نظر قرار می‌دهد که بر مبنای اسناد جهانی حقوق بشر، از جمله اعلامیه جهانی مصوب ۱۹۴۸، هر فرد به صورت آزاد و فارغ از دخالت نهادهای عمومی و اشخاص حقیقی، تا زمانی که جرمی علیه وی اثبات نشود، از حق حیات ایمن برخوردار است. نهادهای قضایی و امنیتی در کشورهای مختلف در مرحله کشف جرم، به بهانه‌های متعددی، از جمله تأمین امنیت و حفظ حقوق جامعه و منافع عمومی، دخالت‌های خودسرانه و نا به جایی در زندگی خصوصی افراد انجام می‌دهند که با پیشرفت‌های

این اصل را مستحق مجازات دانسته‌اند، هرچند که در عمل نیز همواره شاهد اعمال شکنجه بر علیه متهمین در مراحل مختلف دادرسی، از جمله در مرحله کشف جرم باشیم. کتک‌زدن آشکار متهمین در نزد عموم مردم، شکنجه آنان در فرایند بازپرسی، بدرفتاری گفتاری و کلامی و... همگی از مصادیق شکنجه هستند که علیرغم صراحت قانون و اصول اخلاق، همچنان مورد استفاده نهادهای قضایی و امنیتی در کشورهای مختلف است.

با این اوصاف، منع شکنجه در فرایند کشف جرم به معنای حمایت از اصول اخلاقی دیگری نظیر آزادی بیان و عقیده، منع سرکوب و فشار و توجه به اظهارات فرد متهم در شرایط عادی و به دور از هرگونه فشارهای درونی و بیرونی است، حتی در قوانین داخلی ایران، از جمله اصل ۳۸ قانون اساسی و کنوانسیون منع شکنجه، شکنجه با هر انگیزه‌ای که باشد، جرم است. بر حسب ماده ۳۸ قانون اساسی، توجیه شکنجه برای گرفتن اقرار به «کسب اطلاع» نیز ممنوع اعلام شده است (۱). به هر حال، تأکید قوانین حقوق بشری در راستای منع شکنجه در فرایند کشف جرم به دلیل رفتارهای غیر انسانی شکنجه است که باعث آزار و اذیت جسمی، روحی و روانی فرد می‌شود که نه تنها در مرحله اولیه، یعنی کشف جرم، بلکه در سایر مراحل دادرسی نیز ممنوع است.

۲. اصل برائت و بی‌گناهی متهم: هدف اصلی حقوق کیفری مبارزه با بزه‌کاران و حفظ نظم و امنیت جامعه و برقراری آسایش برای آحاد جامعه است (۶)، اما برای دستیابی به این هدف، نمی‌توان از اصل غیر اخلاقی، «هدف، وسیله را توجیه می‌کند»، استفاده نمود، از جمله در فرایند دادرسی و از جمله در مرحله کشف جرم، اصل برائت و بی‌گناه فرض کردن متهم، به عنوان رکن اساسی دادرسی‌های کیفری به شمار می‌آید (۷). اصل برائت، حاصل تحولات حقوقی و اخلاقی دوره معاصر است که با عنایت به اصول اخلاقی نظیر کرامت انسانی و ضرورت حفاظت از آن، مورد توجه اسناد و رویه‌های حقوق بشری است. توجه به اصل برائت به معنای توجه به حقوق و آزادی‌های فردی در فرایند کشف جرم است. بدون اینکه، گناه

ضدیت شکنجه با کلیت حقوق بشر، شکنجه را مصداق جنایت علیه بشریت دانسته و درصدد مقابله با آن هستند (۲). این رویکرد در نزد اسناد و موازین بین‌المللی، از جمله در ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، ماده ۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون منع شکنجه ۱۹۸۴ و دیگر اسناد بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته است (۳).

به نظر می‌رسد اصلی‌ترین دلیل برای منع شکنجه افراد بر مبنای قواعد حقوق بشری، بنیادین بودن، نقض‌ناپذیری و غیر قابل تعلیق بودن آن می‌باشد که منع شکنجه از این خصوصیت برخوردار است (۴). بنابراین در کنار الزام حقوقی منع شکنجه، الزام اخلاقی نیز وجود دارد که به صراحت، منع شکنجه را مورد حمایت قرار می‌دهند، همچنانکه منع شکنجه یکی از لوازم اصلی دادرسی عادلانه، از جمله در مرحله کشف جرم است. الزام اخلاقی منع شکنجه، آسیب‌ها و صدمات جسمی و روحی‌ای است که بر فرد متهم وارد می‌شود (۱) تا وی نسبت به اتهامات مطرح‌شده بر علیه خود اقرار کند. این رویه غیر اخلاقی حتی ممکن است باعث ترس متهم شده و اقرارهای تحت فشار را پدید بیاورد، ضمن اینکه شکنجه‌های روحی در مرحله کشف جرم، یعنی در اولین مرحله از فرایند دادرسی، پذیرفتنی نیست و ممکن است آنچه در ذهن و برداشت، دادرسان، ضابطین قضایی و... باشد، در مرحله نهایی رد شده و قابل قبول نباشد. بنابراین به کارگیری شکنجه در اولین مرحله از فرایند دادرسی، با معیارهای اخلاقی و انسانی سازگار نیست، زیرا مبتنی بر پیش‌فرض، عناد و باورهای شخصی است.

با توجه به اهمیت منع شکنجه در فرایند دادرسی است که در نزد بسیاری از کشورها و همچنین در اعلامیه‌های حقوق بشری کشوری و منطقه‌ای، منع شکنجه افراد اعم، از مرحله دستگیری متهم و همچنین فرایند مطرح‌شدن اتهام علیه افراد، استفاده از شکنجه ممنوع اعلام شده است، زیرا این روش، ضد انسانی و ضد اخلاقی تلقی شده و ممنوع است (۵). بدین ترتیب اخذ شهادت و اقرار و سوگند با روش شکنجه، از نظر حقوقی فاقد ارزش و اعتبار دانسته شده و حتی متخلف از

در پی خواهد داشت. به عبارتی دیگر تا زمانی که ادله اثبات‌شده‌ای علیه فرد وجود نداشته باشد، از آزادی و کرامت انسانی همسان با سایر انسان‌ها برخوردار است. ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۲۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۱۹(ه) اعلامیه قاهره در مورد حقوق بشر در اسلام و ماده ۴۰ کنوانسیون حقوق کودک، مهم‌ترین اسناد و رویه‌های بین‌المللی حقوق بشر هستند که از طریق به رسمیت‌شناختن اصل برائت و بی‌گناهی متهم، بر لزوم تحصیل دلیل از طرق قانونی و اخلاقی تأکید کرده‌اند.

با عنایت به موارد مطرح‌شده، اصل برائت و فرض بی‌گناهی متهم، به عنوان یکی از جلوه‌های درخشان تمدن بشری و دستاوردهای حقوق بشر به مثابه میراثی مشترک میان تمام نظام‌های حقوقی جهانی است (۸)، ضمن اینکه هرچند در اصل برائت، اصل بر بی‌گناهی متهم است، اما آنچه می‌تواند باعث توسعه حقوق بشر در فرایند کشف جرم شود، توجه به این مسأله است که یکی از لوازمات اصلی کشف حقیقت، جمع‌آوری و بررسی اطلاعاتی است که بی‌گناهی متهم را نیز نشان دهد (۹). بنابراین اصل برائت علاوه بر دارا بودن سویه سلبی، سویه اثباتی دیگری نیز دارد که بر اساس آن، فرد مدعی، باید دلایل روشنی بر علیه متهم ارائه نماید.

از جمله الزامات اخلاقی پذیرش اصل برائت در فرایند کشف جرم آن است که شخص به عنوان متهم و نه مجرم شناخته می‌شود. فراتر از این مسأله، پذیرش اصل برائت به معنای یک حق برای متهم تلقی نمی‌شود، بلکه نوعی امتیاز برای وی محسوب شده که در سایه آن، شخص مدعی نه‌تنها باید دلیل بزه‌کاری را ارائه نماید، بلکه، تکلیف اثبات گناهکاری نیز بر عهده مدعی قرار داده می‌شود (۱۰). در آیین دادرسی کیفری کشور فرانسه و از جمله در ماده ۱ این قانون، اصل برائت به خوبی قابل مشاهده است. بر مبنای این اصل: «دادرسی کیفری باید منصفانه و توافقی باشد و تعادل میان حقوق طرفین دعوا را تضمین و تأمین نماید. دادرسی کیفری میان مراجع تعقیب و مراجع صدور رأی را تأمین و تضمین نماید... هر شخصی مظنون یا تحت تعقیب تا زمانی که مجرمیت وی

و یا عمل بزه‌کارانه‌ای از سوی متهم ثابت شود، اصل بی‌گناهی و برائت وی، مورد تأیید انگاره‌های اخلاقی است. به لحاظ تاریخی نیز در ابتدا، اعلامیه حقوق بشر ۱۷۸۹، فرانسه با توجه به دستاوردهای انقلاب کبیر و تحت تأثیر حقوق رم که بیان می‌داشت: «هر انسانی بی‌گناه است، مگر آنکه بزه‌کاری او ثابت شود»، اصل مذکور را تأیید نموده است. بعدها نیز اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۸ به منظور جلب توجه خاص دولت‌های عضو در ماده ۱۱ خود، مشابه عبارتی که در اعلامیه حقوق بشر فرانسه است، ضرورت رعایت اصل برائت را دوباره مورد تأکید قرار داد. بدین ترتیب برای نخستین‌بار به طور رسمی قبول حاکمیت آن بر محاکمات جزایی، در ۱۷۸۹ در اعلامیه حقوق بشر فرانسه صورت گرفته است. بر اساس ماده ۹ اعلامیه حقوق بشر کشور فرانسه: «افراد تا زمان محکومیت بی‌گناه به شمار می‌آیند...». به هر حال آنچه در مقررات فوق مورد نظر بوده، این است که در فرایند کشف جرم و دستیابی به حقیقت، دادگاه نمی‌تواند وظیفه قضایی خود را به اعتقاد و حتی به گمان مجرمیت متهم آغاز کند.

در راستای توجه به اصل برائت در فرایند کشف جرم، کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در ماده شش خود به عنوان حق دادرسی عادلانه، اصول و قواعد حاکم بر یک دادرسی عادلانه را که با در نظر داشتن اصل برائت است، مورد توجه قرار داده است. همچنین در ماده هشتم کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر نیز، اصل برائت به عنوان یکی از معیارهای دادرسی عادلانه مورد توجه قرار گرفته است. علاوه بر این، ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی، سیاسی و نیز ماده ششم کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر مبنی بر اهمیت اصل برائت در فرایند کشف جرم است. با عنایت به اهمیت اصل برائت و تأکید بر آن در معاهدات و اعلامیه‌های حقوق بشری، تا زمانی که گناه و جرم فردی اثبات نشده باشد، نحوه برخورد با وی نباید همانند یک مجرم باشد، زیرا از نظر اخلاقی، فرد، برچسب اجتماعی «فرد بزه‌کار» را دریافت می‌کند که تبعات فردی و اجتماعی متعددی برای وی

خصوصی کودکان به مبحث حمایت از حریم خصوصی افراد در برابر تعرضات غیر قانونی پرداخته‌اند. علاوه بر این موارد، (بند «ب» ماده ۱۸ و ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸، ماده ۱۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، ماده ۱۱ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، ماده ۱۸ اعلامیه حقوق بشر اسلامی ...) از حریم خصوصی افراد در برابر تعرضات غیر قانونی دفاع به عمل می‌آورند.

اصل عدم تجسس در فرایند کشف جرم به معنای توجه به اراده آزاد انسانی، توجه به اصل تحصیل دلیل و مصونیت از تعرض و اتهام‌واهی علیه افراد است که همگی نشأت‌گرفته از اصول اخلاقی هستند. اصلی که در صورت عدم رعایت آن در فرایند کشف جرم، باعث مخدوش شدن منزلت انسانی، جدایی اخلاق از حقوق و آنچه «بی‌عدالتی قانونمند» می‌نامند، منجر خواهد شد (۱۳). بنابراین هرگونه تعرض به حریم خصوصی افراد در مرحله کشف جرم، عملی غیر اخلاقی و ناپسندیده است. اغلب اسناد منطقه‌ای و بین‌المللی حقوق بشری به طور مشترک بر رعایت حریم خصوصی در مرحله کشف جرم تأکید دارند. ناگفته نماند که عدم تعرض به حریم خصوصی افراد در فرایند کشف جرم به طور قابل توجهی با اصل برائت نیز در ارتباط است، زیرا در فرایند تحصیل دلیل، باید اصل بر بی‌گناهی متهم با رعایت حریم خصوصی وی باشد، همچنانکه با در نظر داشتن اصل رعایت حریم خصوصی افراد و ممانعت از تجسس در آن، ضرورت تأمین آزادی افراد و عدم تعرض به آن جز در موارد استثنایی به خوبی قابل درک است و برای آن تضمینات لازم باید تدارک دیده شود (۱۴). در اینجا یک ضرورت اخلاقی وجود دارد و آن هم تسلط انسان بر دارایی، حریم خصوصی و حقوق خاص خویش است که کسی بدون کسب اجازه از وی نمی‌تواند به آن‌ها ورود کند. به عبارتی دیگر، اصول اخلاقی و حقوق بشری حاکی از آن است که انسان بر حریم خصوصی خویش دارای حقی است که تمام عقلا بر صحت آن تأکید می‌کنند. همان‌گونه که کسی نمی‌تواند در حقوق سایر افراد به غیر از اذن و اجازه آن‌ها در چارچوب قانون تصرف کند، نمی‌تواند در محدوده خصوصی

به اثبات نرسیده باشد، بی‌گناه فرض می‌شود و آسیب‌ها و لطماتی که به فرض بی‌گناهی اشخاص وارد می‌شود، باید جبران و مجازات شود.»

در نهایت اینکه اصل برائت از نظر اخلاقی به معنای آن است که قانون، ظرفیت چشم‌پوشی از خطاهایی را که اثبات نشده‌اند و یا اینکه درباره وقوع آنان تردید وجود دارد، دارا می‌باشد و قواعد و رویه‌های حقوق بشری، با عنایت به اصل برائت در فرایند دادرسی منصفانه، نسبت به حفظ حقوق متهم در فرایند کشف جرم توجه نشان داده که همگی مورد تأیید رویکردهای اخلاقی هستند.

۳. اصل عدم تجسس و حفظ حریم خصوصی: همانطور که بیان شد، اسناد، رویه‌ها و موازین حقوق بشر، علاوه بر جنبه حقوقی و قانونی دارای ماهیتی اخلاقی نیز هستند. مصادیق متعددی نشان‌دهنده آن است که اسناد منطقه‌ای و بین‌المللی حقوق بشر همچون اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و... غالباً رویکردی اخلاقی نیز دارند (۱۱). به همین دلیل برای تحقق دادرسی عادلانه و از جمله در مرحله کشف جرم به عنوان اولین مرحله دادرسی، رعایت اصول و الزامات اخلاقی را مد نظر قرار داده و الزاماتی عمدتاً اخلاقی مطرح می‌کنند تا به وسیله آن‌ها بتوان از حقوق متهم در مرحله کشف جرم، صیانت حداکثری کرد و زمینه‌های سوءاستفاده احتمالی کارگزاران دولتی را به حداقل رساند (۱۲). در همین راستا، در اسناد، رویه‌ها و موازین حقوق بشری، حمایت از حریم خصوصی افراد به شدت مورد توجه قرار گرفته است، از جمله در ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر بیان شده است: «حریم خصوصی، خانواده، خانه و مکاتبات، آبرو و حیثیت افراد نباید مورد تعرض و مزاحمت واقع گردد. هر کس از این حق برخوردار است که علیه چنین مزاحمت‌هایی مورد حمایت قرار گیرد» یا اینکه در سایر اسناد بین‌المللی، از جمله ماده ۱۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۱۴ کنوانسیون سازمان ملل متحد درباره حقوق کارگران مهاجر و همچنین ماده ۱۶ کنوانسیون سازمان ملل متحد در حمایت از حریم

افراد نیز بدون اذن و اجازه ایشان وارد گردد (۱۵). بنابراین در فرایند کشف جرم، تعرض به حریم خصوصی افراد بدون اینکه وجهت قانونی داشته باشد و یا اینکه اجازه فرد در آن دخیل باشد، نوعی نقض اخلاقی و نادیده‌گرفتن حریم زندگی انسانی است. از منظر اسناد و رویه‌های بین‌المللی حقوق بشری، بایسته اخلاقی حمایت از حریم خصوصی در برابر تهدیدات خارجی، حمایت از مفهوم انسانیت و زندگی آزادانه است که از جمله در مواد آغازین اعلامیه جهانی حقوق بشر بر آن تأکید شده است. در ماده سوم از اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است: «هر فردی حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد.» به عبارت دیگر در این پناهگاه امن خصوصی است که زندگی و حیات برای انسان میسر شده و «انسانیت» معنا پیدا می‌کند (۱۶). بر این اساس، ورود خودسرانه و بی‌ضابطه به حریم خصوصی افراد و تجسس درباره شخصیت، ناموس، خانه، محل کار و حریم خصوصی افراد نوعی بی‌اخلاقی، زیر پا گذاشتن اصول و قواعد انسانی و حتی ناقض اصل حق حیات و کرامت انسانی است که در ماده اول اعلامیه جهانی حقوق بشر بر آن تأکید شده است.

هرچند در دفاع از اصل رعایت حریم خصوصی و عدم تجسس در زندگی شخصی افراد ممکن است، نوعی نادیده‌انگاری منافع جمعی دیده شود، اما برای دستیابی به اطلاعات برای حفظ امنیت جامعه و مخصوصاً کشف جرم نیازمند رعایت اصولی هستیم که توسط اصل مشروعیت و اخلاق پدید آمده باشد (۱۷). به عبارتی دیگر توجیه دخالت در زندگی خصوصی افراد و نقض حقوق بدیهی آنان، به بهانه دفاع از منافع جمعی پذیرفتنی نیست، زیرا حقوق افراد، شاکله حقوق جمعی است و نمی‌توان بدون رعایت حقوق افراد جامعه، از حقوق و منافع جامعه سخن گفت. بدیهی است که نقض این بایسته اخلاقی [عدم دخالت در زندگی خصوصی افراد] به معنای نقض امنیت، اصل برائت و همچنین نقض حریم خصوصی افراد است که در فرایند دادرسی، از جمله در مرحله کشف جرم می‌تواند مورد سوءاستفاده قرار گیرد. علاوه بر این، ارزش‌های اخلاقی دیگر نیز وجود دارند که از قبل حفظ حریم خصوصی و احترام

به آن حاصل می‌شوند، از جمله می‌توان به اصول اخلاقی استقلال و آزادی اشاره نمود. به عبارتی ساده‌تر، حفظ و حمایت و احترام به حریم خصوصی، احترام به استقلال و آزادی افراد در قبال هم‌نوعان و همچنین ساختار جامعه است. این رویه اخلاقی از یکسو شرایط لازم برای رشد و تکامل فردی و حفظ تمامیت مادی و معنوی انسان را فراهم می‌سازد و از طرفی دیگر مانع تسلط سایرین بر وی می‌شود (۱۸). بنابراین در فرایند کشف جرم در این زمینه می‌توان به سه اصل و بایسته اخلاقی اشاره نمود که برای هر شخصی محفوظ بوده و اجازه ورود و دخالت دیگران در آن وجود ندارد: اول، تسلط انسان بر دارایی و اطلاعات خود؛ دوم، عدم دخالت دیگران با بهانه کشف جرم و نقض اصل برائت؛ سوم، افشای اطلاعات خصوصی افراد بدون کسب اجازه از آنان. امروزه مبحث حفظ حریم خصوصی بسیار جدی‌تر از قبل شده است، زیرا مواردی از نقض اصول اخلاقی در کشف جرم، از جمله سوءاستفاده‌های آشکار از وسایل استراق سمع، کنترل تماس‌های تلفنی، دسترسی غیر مجاز به فایل‌های حاوی داده‌های مربوط به اشخاص از طریق نقض تدابیر امنیتی دیده می‌شود (۱۹) که چنین مواردی ناقض اصول اخلاقی هستند و در ضدیت با حرمت دخالت در زندگی شخصی افراد تلقی می‌شوند. ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر، بنیانی برای دفاع از حریم خصوصی افراد درباره هر عامل مزاحم و آزاردهنده‌ای است که ناقض حقوق انسانی است. این ماده به صراحت بیان می‌دارد: «نباید در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتبات هیچ کس مداخله‌های خودسرانه صورت گیرد یا به شرافت و آبرو و شهرت کسی حمله شود. در برابر چنین مداخله‌ها و حمله‌هایی، برخورداری از حمایت قانون، حق هر شخصی است.»

نتیجه‌گیری

دادرسی عادلانه دارای مراحل مختلفی است که اولین و حساس‌ترین مرحله آن، کشف جرم است. مرحله کشف جرم به دلیل ارتباط با مراحل جمع‌آوری داده‌ها، شواهد و اطلاعات

بشری جهانی، منطقه‌ای و ملی مورد توجه قرار گرفته است. باید گفت در مواردی که اصل استقلال و بی‌طرفی دادگاه به زیان متهم نقض شده می‌توان گفت فرض برائت او نیز نادیده گرفته شده است. با این حال، با بررسی اصل برائت می‌توان یک امتیاز اخلاقی از آن نیز استخراج کرد که حاکی از پاسخگو کردن مدعی در برابر اتهامات وارد شده به متهم است.

اصل رعایت حریم خصوصی افراد نیز تکمیل‌کننده مرحله کشف جرم به عنوان حساس‌ترین مرحله دادرسی کیفری است. در این مرحله، اصل بر استقلال و آزادی افراد در برابر هرگونه تعرض و دخالتی است که خود به صراحت در اعلامیه‌های حقوق بشری مورد تأکید قرار گرفته است. آنچه می‌تواند الزام و بایسته اخلاقی منبعث از اصل عدم دخالت در حریم خصوصی و زندگی شخصی افراد در نظر گرفته شود، حفظ استقلال و آزادی و مصون ماندن از دخالت‌های خودسرانه و فراقانونی نهادهای عمومی و حتی اشخاص حقیقی در مرحله کشف جرم است. همچنین در این مرحله، قلمرو و محدوده زندگی خصوصی افراد قابل تفسیر و توسعه است و بکارگیری اصول اخلاقی و حقوقی لزوم اعمال دقت و حساسیت بیشتری در زمینه رعایت این اصل را در پی دارند، خاصه آن‌که با پیشرفت‌های تکنولوژیکی و ارتباطی، نقض حریم خصوصی افراد از طریق دستگاه‌های الکترونیکی و شنود، بیش از پیش گسترش یافته است که نیازمند مراقبت بیشتری است. به علاوه اینکه، حمایت از حریم خصوصی از نتایج پایبندی به اصل برائت بوده و خود به پاسداشت کرامت انسانی افراد منجر خواهد گردید.

مشارکت نویسندگان

امیر کاظمی: نگارش نهایی مقاله و بازبینی متن.

باقر شاملو: راهنمایی و نظارت بر نگارش مقاله و اصلاح متن.

امان‌الله علیمردانی: مشاوره در نگارش مقاله و تحلیل مطالب.

سیدمهدی احمدی موسوی: نظارت بر نگارش مقاله و بازبینی نتیجه‌گیری.

نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

مختلف درباره جرم، نیازمند مراقبت و دقت است از این حیث که تحت تأثیر رعایت سه اصل منع شکنجه، مبنای قرارداد اصل برائت و همچنین حفظ حریم خصوصی و عدم دخالت در زندگی خصوصی افراد باشد. آنچه تحقیق حاضر نشان داد، این است که در مرحله کشف جرم، منع شکنجه از نظر قانونی و اخلاقی، جایگاهی ویژه در اصول و قواعد حقوقی و اخلاقی بین‌المللی دارد، لیکن این اصل همواره با بهانه‌های مختلفی، از جمله حمایت از حقوق جامعه و برقراری امنیت و آسایش و یا مقابله با بزه‌کاران و مجرمان نادیده گرفته می‌شود. اصل منع شکنجه، در اسناد مختلف حقوق بشر بین‌المللی، از جمله در ماده چهاردهم اعلامیه جهانی حقوق بشر مورد تأکید قرار گرفته است و حتی برای افراد در صورت شکنجه شدن، درخواست پناهندگی و مهاجرت را محفوظ نگه می‌دارد. این رویکردهای جهانی در جهت منع شکنجه، مبتنی بر نفی امور غیر اخلاقی از جمله آزار و اذیت جسمی، جنسی، روحی و روانی در مرحله کشف جرم است که خود برخاسته از کرامت انسانی به عنوان بنیاد آموزه‌های اخلاقی است. به نظر می‌رسد توسعه اصل منع شکنجه به معنای فراتر رفتن از توجه به شکنجه‌های آشکار و پرداختن به مسأله شکنجه سفید است که امروزه در فرایند کشف جرم در کشورهای مختلف صورت می‌گیرد و اسناد بین‌المللی نسبت به آن دچار نوعی عقب افتادگی حقوقی و قانونی هستند.

اصل یا پیش‌فرض برائت نیز یکی دیگر از اصول و قواعد بنیادین دادرسی عادلانه است که از حقوق شهروندان در برابر قدرت‌طلبی نهادهای عمومی، اتهام‌زنی بدون دلیل و مجرم‌شناختن افراد قبل از رسیدگی به اتهامات وارده حمایت می‌کند. اصل برائت با الهام از اعلامیه‌های حقوق بشری جهانی و تحت تأثیر آموزه‌های اخلاقی حراست از حقوق فردی، بیان می‌دارد که پیش از اثبات تقصیر فرد در دادگاه صالح و به موجب قانون، هر نوع اظهار نظر مقامات عمومی، افراد مدعی و... پیرامون مسئولیت و مجرمیت فرد، نقض اخلاقی و حقوقی تلقی می‌شود. علاوه بر این ایجاد هر نوع محدودیت برای افراد، هرچند به صورت کوتاه و موقت، پیش از کشف دلیل، بی‌اخلاقی و ناقض اصل بی‌گناهی است که در اسناد حقوق

تشکر و قدردانی

نویسندگان این تحقیق، مراتب سپاسگزاری خود را از گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رفسنجان به واسطه تمهید زمینه انجام پژوهش‌های فرارشته‌ای اعلام می‌دارند.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل حفظ اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

References

1. Pourbaferani H, Rahimi R. A Comparative Study of the Crime of Torture in Iranian Law and the Convention against Torture. *Legal Journal of Justice*. 2015; 80(93): 60-37 [Persian]
2. Haji Deh Abadi A, Ahmadi I, Samsami J. Explaining the Principles and Critique of Iran's Criminal Policy on the Prohibition of Torture. *Legal Journal of Justice*. 2014; 79(90): 7-36. [Persian]
3. Elm M. *Standard Justice in International Documents*. Tehran: Dadgostar publishing; 2004. p.56. [Persian]
4. Ranjbarian AH. Law on the Prohibition of Torture in Contemporary International Law. *Journal of the Faculty of Law and Political Sciences*. 2004; 2(70): 147-184. [Persian]
5. Shany Y. The Prohibition Against Torture and Cruel, Inhuman, and Degrading Treatment and Punishment: Can the Absolute Be Relativized Under Existing International Law. *Cath. UL Rev*. 2006; 56: 837.
6. Tayebi HA. *Basics and Principles of Sociology*. Tehran: Islamieh publishing; 2000. p.78. [Persian]
7. Ashoori M. *Criminal Justice*. Tehran: Dadgostar publishing; 1996. p.21. [Persian]
8. Sarmast Bonab B. The principle of innocence and its effects in criminal matters. Tehran: Dadgostar publishing; 2010. p.9. [Persian]
9. Jahantab M. Powerful Police. *Journal of Research Police Sciences*. 2004; 7(2): 125-139. [Persian]
10. Rahmdel M. Iranian Constitution and the Principle of Innocence. *Journal of Constitutional Rights*. 2006; 5(3): 110-134. [Persian]
11. Qari M. Justification-Ethical Principles of Contemporary Human Rights. *Journal of Legal Research*. 2002; 35(5): 111-192. [Persian]
12. Mehra N, Mahmoudian Esfahani K. Human Rights Requirements of Crime Detection in the Iranian Legal System. *Journal of Public Law Studies*. 2017; 2(47): 329.356. [Persian]
13. Pradel GH. Common Strategic Principles of Criminal Procedure in Different European Countries. Translated by Khazaei M. *Journal of the Office of International Law*. 1998; 1(24): 73-96.
14. Hashemi M. *Human rights and fundamental freedoms*. Tehran: Mizan publishing; 2004. p.300. [Persian]
15. Aghababaie H, Abbasi M. Privacy, Cyberspace and the Preventive Challenges Facing the NAJA. *Journal of Crime Prevention Studies*. 2010; 5(17): 29-58. [Persian]
16. Bakhshayeshi M, Heidari Monavar H. Privacy in Iranian Law and International Documents. *Journal of International Police Studies*. 2016; 7(29): 207-232. [Persian]
17. Renault-Brahinsky C. *Procédure pénale*. Paris: Mémentos; 2010. p.297.
18. Afshar L, Nemati A. Privacy in human-oriented research based on Islamic teachings. *Cultural Strategy Quarterly*. 2009; 1(9): 59-74. [Persian]
19. Ziber O. *Cyber Crims*. Translated by Nouri MA, Nakhjavani R, Bakhtiarvand M, Rahimi Moghadam A. Tehran: Ganj-e Danesh; 2004. p.52. [Persian]